

نقد روانکاوانه بر اشعار مهدی اخوان ثالث: واکاوی ناخودآگاه اجتماعی و سیاسی در لایه‌های درونی متن

امیررضا کاظمی^۱، لیلا بهرامی^۲

۱. دانشکده نقد و نظریه ادبی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

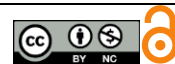
۲. دانشکده نقد و نظریه ادبی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: lbahrami45@ui.ac.ir

چکیده

این مقاله به بررسی روانکاوانه اشعار مهدی اخوان ثالث پرداخته و تلاش می‌کند لایه‌های عمیق اجتماعی و روانی نهفته در این اشعار را شناسایی کند. اخوان ثالث با بهره‌گیری از زبانی پیچیده و نمادین و استفاده از تصاویر و تمثیل‌های متنوع، به‌ویژه مفاهیمی چون نوستالژی، بیگانگی، و رنج جمعی، توانسته است دغدغه‌ها و تجربه‌های ناخودآگاه جامعه ایرانی را در دوران خود به تصویر بکشد. در این پژوهش، از نظریات فروید و لاکان برای تحلیل لایه‌های ناخودآگاه اجتماعی و روانی این اشعار استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که اخوان ثالث از زبان و تکنیک‌های شعری به‌عنوان ابزاری برای بازتاب تجربه‌های سرکوب‌شده و پنهان جامعه بهره برده و توانسته است یک فضای هنری را ایجاد کند که نمایانگر مقاومت اجتماعی و روانی در برابر فشارهای سیاسی و فرهنگی است. این مقاله همچنین اشعار اخوان ثالث را با دیگر شاعران هم‌عصر او، از جمله فروغ فرخزاد و احمد شاملو، مقایسه می‌کند تا جایگاه منحصر به فرد او را در ادبیات معاصر فارسی نشان دهد. پیشنهادات پژوهشی این مقاله بر لزوم بررسی تطبیقی دقیق‌تر اشعار او و استفاده از رویکردهای روانکاوانه مدرن برای تحلیل ابعاد اجتماعی و روانی آثار او تأکید دارد. این مقاله با روشن‌سازی نقش و جایگاه اخوان ثالث به‌عنوان یک شاعر اجتماعی-سیاسی، به درکی عمیق‌تر از پیوند شعر و ناخودآگاه جمعی در ایران معاصر می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: مهدی اخوان ثالث، نقد روانکاوانه، ناخودآگاه اجتماعی، نمادپردازی، نوستالژی، ادبیات معاصر فارسی، لایه‌های روانی.



شیوه استناددهی: کاظمی، امیررضا، و بهرامی، لیلا. (۱۴۰۳). نقد روانکاوانه بر اشعار مهدی اخوان ثالث: واکاوی ناخودآگاه اجتماعی و سیاسی در لایه‌های درونی متن. گنجینه زبان و ادبیات فارسی، ۲(۱)، ۳۱-۴۴.

© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۱ بهمن ۱۴۰۲

تاریخ بازنگری: ۱۰ اسفند ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۲۶ اسفند ۱۴۰۲

تاریخ چاپ: ۱۳ فروردین ۱۴۰۳

The Treasury of Persian Language and Literature

Psychological Critique of the Poems of Mahdi Akhavān Tālisi: An Exploration of Social and Political Unconscious in the Text's Inner Layers

Amir Reza Kazemi¹, Leila Bahrami^{2*}

1. Department of Literary Criticism and Theory, University of Isfahan, Isfahan, Iran

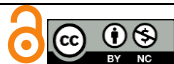
2. Department of Literary Criticism and Theory, University of Isfahan, Isfahan, Iran

*Corresponding Author's Email: lbahrami45@ui.ac.ir

Abstract

This article presents a psychoanalytic critique of Mehdi Akhavān Sāles' poetry, aiming to uncover the deep social and psychological layers embedded within his works. Akhavān Sāles, through his complex and symbolic language, and his use of varied imagery and metaphors—particularly concepts like nostalgia, alienation, and collective suffering—effectively reflects the unconscious concerns and experiences of Iranian society during his time. This study employs Freudian and Lacanian theories to analyze the unconscious social and psychological dimensions of his poetry. The findings indicate that Akhavān Sāles utilized poetic language and techniques as tools to reveal the suppressed and hidden experiences of his society, creating an artistic space that embodies social and psychological resistance against political and cultural pressures. The article also compares Akhavān Sāles' poetry with other contemporary poets, such as Forough Farrokhzad and Ahmad Shamlou, to highlight his unique position within Persian contemporary literature. Research recommendations emphasize the need for more comparative studies of his works and the application of modern psychoanalytic approaches to analyze the social and psychological dimensions of his poetry. This article contributes to a deeper understanding of the role of Akhavān Sāles as a socio-political poet and the connection between poetry and the collective unconscious in modern Iran.

Keywords: Mehdi Akhavān Sāles, psychoanalytic critique, social unconscious, symbolism, nostalgia, contemporary Persian literature, psychological layers.



How to cite: Kazemi, A R..., & Bahrami, L. (2024). Psychological Critique of the Poems of Mahdi Akhavān Tālisi: An Exploration of Social and Political Unconscious in the Text's Inner Layers. *The Treasury of Persian Language and Literature*, 2(1), 31-44.

© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 21 January 2024

Revise Date: 28 February 2024

Accept Date: 16 March 2024

Publish Date: 1 April 2024

مقدمه

مهدی اخوان ثالث (۱۳۶۹-۱۳۰۷)، یکی از برجسته‌ترین و تاثیرگذارترین شاعران معاصر ایران، از جمله شاعرانی است که در آثار خود به بیان عمیق‌ترین لایه‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه ایرانی پرداخته است. او با استفاده از زبان غنی و نمادپردازی‌های عمیق توانسته است تا احساسات اجتماعی و فرهنگی یک نسل را به تصویر بکشد. اشعار اخوان ثالث نه تنها از حیث ادبی برجسته هستند، بلکه به واسطه پرداختن به موضوعات و مضامینی چون درد، نوستالژی، بیگانگی، و بحران‌های اجتماعی و سیاسی، از لحاظ جامعه‌شناسی و روان‌شناسی نیز اهمیت ویژه‌ای دارند. او به‌ویژه در آثارش با بهره‌گیری از زبانی متأثر از فرهنگ کهن و اسطوره‌های ایرانی، فضای شعری‌ای را ایجاد کرده که به سادگی با ذهن و ناخودآگاه جامعه ایرانی ارتباط برقرار می‌کند. برخی از پژوهشگران معتقدند که اشعار او در واقع بازتاب ناخودآگاه اجتماعی دوران خودش است که در بطن تحولات اجتماعی و سیاسی ایران در میانه قرن بیستم شکل گرفته است (۱). این امر اشعار او را از منظر نقد روانکاوی به حوزه‌ای ارزشمند برای تحقیق و بررسی تبدیل می‌کند.

اهمیت آثار اخوان ثالث در این است که او به عنوان صدایی از دل جامعه خود، به بیان سرخوردگی‌ها، امیدها، و ناامیدی‌های مردم پرداخته و در قالبی نمادین به تصویر کشیده است. او با به‌کارگیری تکنیک‌هایی نظیر استفاده از تمثیل‌های اسطوره‌ای و عناصر بومی، توانسته است تا احساسات جمعی و تحولات اجتماعی دوران خود را به گونه‌ای هنرمندانه بازتاب دهد. اخوان ثالث از اشعار خود به عنوان یک ابزار برای بیان تضادهای درونی و زخم‌های پنهان جامعه استفاده کرده است، که این امر به بررسی آثارش از منظر روانکاوی اهمیت خاصی می‌بخشد. به عنوان نمونه، بررسی فرایندهای ناخودآگاه اجتماعی در اشعار اخوان می‌تواند به درک بهتر از چرایی و چگونگی شکل‌گیری موضوعاتی چون حس

بیگانگی و نوستالژی در آثار او کمک کند (۲). از این منظر، اشعار او نه تنها یک اثر هنری بلکه نوعی مستند اجتماعی-روانی به حساب می‌آیند که خواننده را به سفری در اعماق ناخودآگاه جمعی جامعه ایرانی می‌برد.

هدف اصلی این مقاله، بررسی اشعار اخوان ثالث از منظر نقد روانکاوانه است. روانکاوی، به عنوان شاخه‌ای از علم روان‌شناسی، به تجزیه و تحلیل لایه‌های پنهان ذهن و فرآیندهای ناخودآگاه افراد و جوامع می‌پردازد. در این پژوهش، تلاش می‌شود تا با استفاده از نظریات فروید و لاکان، به بررسی این لایه‌های پنهان در آثار اخوان ثالث پرداخته و فرآیندهای روانی‌ای که در پشت اشعار او نهفته است را مورد تحلیل قرار دهیم. از آنجا که اخوان ثالث در بسیاری از آثار خود به بیان درد و ناامیدی‌های جامعه و همچنین حس عمیق نوستالژی می‌پردازد، این امکان فراهم می‌شود که با استفاده از نقد روانکاوانه به فهم عمیق‌تری از دلایل و تأثیرات این احساسات دست یابیم (۳).

ضرورت نقد روانکاوانه بر آثار اخوان ثالث در این است که او، به عنوان یک شاعر اجتماعی، توانسته است لایه‌های پیچیده‌ای از روان جمعی و فردی جامعه خود را در قالب شعر بیان کند. اشعار او بازتابی از ترس‌ها، اضطراب‌ها، و امیدهای نسل‌های مختلف جامعه ایران است. برای درک بهتر این احساسات و عواطف، نیاز است که به زیرساخت‌های روانی‌ای که این اشعار بر آنها بنا شده‌اند پرداخته شود. در واقع، نقد روانکاوانه به ما این امکان را می‌دهد که به ریشه‌های ناخودآگاه احساسات و افکار بیان‌شده در آثار اخوان پی ببریم و درک کنیم که چگونه این اشعار می‌توانند به عنوان ابزاری برای تحلیل روانی و اجتماعی جامعه عمل کنند. با بهره‌گیری از نظریات روانکاوی، می‌توانیم به عمق بیشتری در تفسیر اشعار اخوان دست یابیم و به روابط پنهان میان فرد و جامعه و تأثیرات متقابل آنها پی ببریم.

از منظر پژوهشی، در این مقاله فرض بر این است که اشعار اخوان ثالث نه تنها بیانگر احساسات شخصی شاعر بلکه منعکس‌کننده حال و هوای اجتماعی و روانی جامعه‌ای است که در آن زندگی می‌کرده است. این فرضیه به دنبال آن است که نشان دهد چگونه اخوان ثالث از زبان و تصویرسازی شعری خود به عنوان ابزاری برای بیان ناخودآگاه جمعی بهره می‌برد و چگونه شعرهای او می‌توانند به درکی از فرآیندهای روانی جامعه و ارتباط آنها با شرایط اجتماعی و سیاسی آن زمان منجر شوند (4). بر اساس این فرضیه، اشعار اخوان ثالث به عنوان یک آینه از ناخودآگاه جامعه ایران عمل کرده و مسائل پیچیده اجتماعی و روانی را که در آن دوران رایج بوده‌اند، بازتاب می‌دهند.

سوالات اصلی پژوهش حاضر عبارت‌اند از: چگونه می‌توان اشعار اخوان ثالث را از منظر روانکاوانه تفسیر کرد و به عمق معناهای نهفته در آنها پی برد؟ به چه صورت می‌توان از نظریات فروید و لاکان برای تحلیل ساختارهای روانی و اجتماعی در شعرهای او استفاده کرد؟ و در نهایت، چگونه اشعار اخوان ثالث می‌توانند به عنوان یک منبع برای درک بهتر ناخودآگاه اجتماعی و سیاسی دوران خود عمل کنند؟ این سوالات به گونه‌ای طراحی شده‌اند که مسیر پژوهش را به سمت فهم دقیق‌تر و علمی‌تر از فرآیندهای روانی و اجتماعی‌ای که در پشت اشعار اخوان نهفته‌اند، هدایت کنند.

یکی از مفاهیم مهمی که در این پژوهش مورد بررسی قرار خواهد گرفت، موضوع نوستالژی در اشعار اخوان ثالث است. نوستالژی در شعر او نه تنها به معنای یادآوری گذشته‌های از دست رفته، بلکه به عنوان یک فرآیند روانی پیچیده مطرح می‌شود که به نوعی بیانگر حس بیگانگی و جدایی از هویت واقعی و اصیل است. بررسی این مفهوم در اشعار اخوان ثالث به ما کمک می‌کند تا درک عمیق‌تری از نوعی بحران هویت در جامعه ایرانی به دست آوریم که در پی تحولات فرهنگی و اجتماعی مختلف در دوره‌ای

مشخص شکل گرفته است (5). همچنین، موضوعات دیگر نظیر حس درد و ناامیدی، که در اشعار او به کرات دیده می‌شود، می‌تواند به عنوان نشانه‌هایی از افسردگی جمعی و یا شکست‌های تاریخی جامعه ایرانی در برابر تحولات سیاسی و اجتماعی مورد تحلیل قرار گیرد.

نقد روانکاوانه در این پژوهش همچنین به بررسی استفاده از رنگ‌ها و نمادهای اسطوره‌ای در اشعار اخوان ثالث خواهد پرداخت. رنگ‌ها در شعر او به عنوان نمادی از حالات روانی و عاطفی مختلف به کار رفته‌اند که می‌توانند به لایه‌های ناخودآگاه ذهن شاعر و جامعه اشاره داشته باشند. این امر به ویژه در اشعاری که با موضوعات اجتماعی و سیاسی درگیر هستند، اهمیت خاصی پیدا می‌کند؛ چرا که این رنگ‌ها می‌توانند به عنوان نمادهایی از روان جمعی و تاریخ فرهنگی یک ملت به کار رفته باشند (4). به عنوان مثال، در بسیاری از آثار اخوان، رنگ‌های تاریک و غم‌انگیز به کار رفته است که می‌توان آنها را به عنوان نمادی از حس ناامیدی و بیگانگی اجتماعی در نظر گرفت.

در نهایت، این پژوهش با بررسی نمادها و نشانه‌های به کار رفته در اشعار اخوان ثالث، به دنبال آن است که رابطه بین فرم و محتوا در اشعار او را کشف کرده و نشان دهد که چگونه این دو عامل به هم پیوسته و در خلق تجربه‌ای روانی و عمیق از آثار او مؤثر بوده‌اند. فرم شعری در آثار اخوان ثالث از حیث روان‌شناسی دارای ویژگی‌های خاصی است که با مضامین اجتماعی و سیاسی او پیوند نزدیکی دارند و به همین دلیل می‌توانند به عنوان ابزاری برای بازنمایی ناخودآگاه جمعی جامعه عمل کنند. این امر به ویژه در اشعاری که با موضوعات سیاسی و اجتماعی سر و کار دارند، مشهود است؛ چرا که فرم شعری می‌تواند به عنوان ابزاری برای بیان شرایط روانی و اجتماعی جامعه عمل کند و خواننده را به عمق تجربه‌های روانی و ناخودآگاه درونی شاعر و جامعه هدایت کند (6).

روش‌شناسی

این پژوهش به صورت کیفی و بر مبنای تحلیل متن انجام می‌شود، که به دنبال درک عمیق‌تر لایه‌های معنایی و ناخودآگاه اجتماعی و سیاسی در آثار این شاعر معاصر ایرانی است. برای این منظور، از رویکردهای نظری روانکاوی، به ویژه نظریات فروید و لاکان، بهره‌برداری می‌شود تا ساختارهای پنهان و احساسات نهفته در متن‌های شاعری بررسی شود.

ابتدا، اشعار منتخب از بین آثار مهدی اخوان ثالث شناسایی می‌شوند. این انتخاب بر اساس موضوعات اجتماعی و سیاسی موجود در شعرها، همچنین تأثیرات تاریخی و فرهنگی که در آن زمان بر جامعه ایرانی حاکم بوده، انجام می‌گیرد. به دنبال این انتخاب، هر شعر به صورت جداگانه مورد تحلیل دقیق قرار می‌گیرد. در این فرآیند، سعی می‌شود تا نشانه‌ها و سمبل‌های موجود در اشعار شناسایی شوند و به ارتباط آنها با ناخودآگاه اجتماعی و سیاسی پرداخته شود. برای این منظور، از متون و آثار مرتبط با روانکاوی، ادبیات و نقد اجتماعی استفاده می‌شود تا به درک بهتری از زمینه‌های اجتماعی و سیاسی در اشعار اخوان ثالث دست یابیم.

تحلیل متن به صورت عمیق و جامع انجام می‌گیرد، به طوری که هر لایه از شعر به دقت بررسی می‌شود. در این مرحله، به تفسیر نشانه‌ها و تمثیل‌ها، بررسی زبان و سبک شعری، و همچنین ارتباط میان فرم و محتوا توجه ویژه‌ای می‌شود. این تحلیل به ما کمک می‌کند تا نحوه بازتاب ناخودآگاه اجتماعی و سیاسی در آثار اخوان ثالث را شناسایی کنیم. همچنین، توجه به زمینه‌های تاریخی و فرهنگی که شاعر در آن زندگی کرده است، اهمیت دارد؛ زیرا این زمینه‌ها می‌توانند تأثیرات عمیقی بر دیدگاه‌های او نسبت به مسائل اجتماعی و سیاسی داشته باشند.

در نهایت، نتایج این تحلیل به صورت مقایسه‌ای با دیگر شاعران معاصر ارائه می‌شود تا بتوانیم درک بهتری از جایگاه مهدی اخوان

ثالث در ادبیات معاصر و تأثیرات اجتماعی و سیاسی آثار او به دست آوریم. این فرآیند پژوهشی نه تنها به بررسی اشعار اخوان ثالث می‌پردازد، بلکه به درک عمیق‌تری از رویکردهای روانکاوانه در ادبیات فارسی نیز کمک می‌کند و بر غنای نقد ادبی در این زمینه می‌افزاید.

چارچوب نظری

در تحلیل روانکاوانه، یکی از مفاهیم اساسی مفهوم ناخودآگاه است که نخستین بار توسط زیگموند فروید به طور جامع مورد بررسی قرار گرفت و سپس توسط نظریه‌پردازان دیگر چون ژاک لاکان توسعه یافت. ناخودآگاه در روانکاوی به لایه‌ای از ذهن اطلاق می‌شود که شامل افکار، تمایلات، و خاطراتی است که از آگاهی فرد دور مانده و به طور مستقیم در دسترس نیست. فروید باور داشت که این لایه از ذهن تحت تأثیر امیال سرکوب‌شده و خاطراتی است که از آگاهی خودآگاه پنهان شده‌اند، ولی با وجود این، تأثیر زیادی بر رفتار و عواطف فرد دارند. نظریه فروید بر این نکته تأکید داشت که اعمال و افکار آگاهانه انسان‌ها اغلب توسط انگیزه‌ها و امیال ناخودآگاهی هدایت می‌شوند که ریشه در تجربیات سرکوب‌شده یا ترس‌ها و خواسته‌های ناآشکار دارند (5).

در این چارچوب، تحلیل اشعار مهدی اخوان ثالث می‌تواند به عنوان بستری برای کشف و تحلیل ناخودآگاه اجتماعی و سیاسی جامعه ایرانی در دوران وی به کار رود، چرا که اشعار او حاوی نمادها و مضامینی است که می‌توانند به عنوان بازتابی از تجربیات سرکوب‌شده و تحولات اجتماعی مورد مطالعه قرار گیرند.

ژاک لاکان، روانکاو فرانسوی، مفهوم ناخودآگاه فروید را با ایده‌های ساختارگرایانه ترکیب کرد و بر این باور بود که ناخودآگاه همانند زبان ساختار دارد. به بیان دیگر، ناخودآگاه از طریق نشانه‌ها و زبان نمادین خود را به شکلی رمزآلود و پیچیده آشکار می‌سازد. این دیدگاه لاکان به ویژه در تحلیل اشعار اخوان ثالث که مملو از نمادها و تصاویر پیچیده است، می‌تواند کاربردی باشد. اخوان ثالث

در شعرهایش از زبانی نمادین و رمزآلود استفاده می‌کند که خودآگاهانه یا ناخودآگاهانه به پیچیدگی‌های روانی و اجتماعی جامعه ایرانی اشاره دارد. این زبان نمادین، به شکلی که لاکان بیان می‌کند، بستر مناسبی برای آشکارسازی لایه‌های پنهان و عمیق‌تر ذهن شاعر و ناخودآگاه جمعی جامعه‌ای است که او در آن زندگی می‌کرده است. به این ترتیب، زبان شعری اخوان ثالث به گونه‌ای ساختارمند و نمادین عمل می‌کند که هم‌زمان با بیان تجربه‌های فردی شاعر، بازتاب‌دهنده نگرانی‌ها و دغدغه‌های جمعی جامعه است (4).

از منظر روانکاوی اجتماعی، نظریات مرتبط با ناخودآگاه اجتماعی و سیاسی نیز به عنوان بخشی از چارچوب نظری این پژوهش مورد توجه قرار می‌گیرند. مفهوم ناخودآگاه اجتماعی نخستین بار در آثار کارل گوستاو یونگ مطرح شد، که به ناخودآگاه جمعی به عنوان منبعی از خاطرات و تصاویر کهن اشاره داشت که در تمام انسان‌ها مشترک است و از نسل‌های گذشته به آنها منتقل شده است. این نظریه به ویژه در بررسی اشعار شاعرانی مانند اخوان ثالث که از تصاویر و تمثیل‌های کهن و اسطوره‌ای بهره می‌برند، کاربرد دارد. از سوی دیگر، از منظر اجتماعی، ناخودآگاه اجتماعی مفهومی است که در پیوند با تجربیات مشترک و سرکوب‌های جمعی جامعه قرار می‌گیرد. این مفهوم بر این نکته تأکید دارد که جوامع نیز همچون افراد دارای لایه‌هایی از تجربه‌های سرکوب‌شده هستند که در قالب نمادها و اسطوره‌ها در آثار ادبی و هنری ظاهر می‌شوند. در مورد اخوان ثالث، این نظریه می‌تواند در تفسیر حس درد و رنج‌های اجتماعی که به طور مکرر در اشعارش بازتاب دارد، مفید باشد. اخوان ثالث در آثارش به بیان ناخودآگاه جمعی جامعه‌ای می‌پردازد که تحت تأثیر تحولات اجتماعی و سرکوب‌های سیاسی قرار گرفته است و بدین ترتیب، اشعارش به عنوان تجلی ناخودآگاه اجتماعی و سیاسی جامعه ایرانی در دوره‌ای خاص از تاریخ آن عمل می‌کنند (2).

نقدهای پیشین بر اشعار اخوان ثالث نشان می‌دهد که اشعار او بارها از منظرهای مختلف از جمله نقدهای تاریخی، اجتماعی و اسطوره‌شناختی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در این نقدها، محققان بر این باورند که اخوان ثالث با به‌کارگیری تمثیل‌ها و نمادهای اسطوره‌ای توانسته است به شکلی عمیق به لایه‌های درونی جامعه ایرانی نفوذ کند و به نوعی، روان‌شناسی اجتماعی جامعه را در قالب شعر بیان کند. برخی از پژوهش‌ها به تحلیل زبان نمادین و نشانه‌های اسطوره‌ای در آثار او پرداخته‌اند و نشان داده‌اند که اخوان ثالث از طریق زبان و تصاویر شاعرانه‌اش توانسته است به مسائلی چون بیگانگی اجتماعی، احساس ناتوانی، و نومی‌دی اجتماعی بپردازد (3). این تحلیل‌ها نشان می‌دهند که اخوان ثالث به عنوان شاعری اجتماعی، توانسته است مضامین سیاسی و اجتماعی دوران خود را در قالب شعر به شکلی هنرمندانه بازنمایی کند و ناخودآگاه جمعی جامعه خود را به تصویر بکشد.

از دیگر نقدهای مهمی که بر اشعار اخوان ثالث صورت گرفته است، می‌توان به بررسی‌های انجام‌شده بر موضوع نوستالژی در اشعار او اشاره کرد. نوستالژی، که به عنوان حس دلتنگی و اندوه از دست دادن گذشته تعریف می‌شود، یکی از موضوعات پررنگ در آثار اخوان ثالث است. این نوستالژی نه تنها به عنوان احساسی فردی، بلکه به عنوان بیانگر وضعیت اجتماعی و فرهنگی دوران او نیز شناخته شده است. در برخی از نقدها، نوستالژی در شعرهای اخوان ثالث به عنوان نوعی از ترس‌ها و اضطراب‌های جمعی جامعه ایرانی بررسی شده است. این موضوع به ویژه از منظر روانکاوی فروید می‌تواند نشان‌دهنده نوعی از سرکوب روانی و اجتماعی باشد که در ناخودآگاه جمعی جامعه ایرانی به وجود آمده است و اخوان ثالث با استفاده از زبان و تصاویر شعری‌اش توانسته است آن را به شکلی هنری بازنمایی کند (2).

از طرفی، بسیاری از پژوهش‌های پیشین بر نقش رنگ‌ها و تصاویر نمادین در اشعار اخوان ثالث متمرکز شده‌اند. استفاده از رنگ‌ها در

اشعار او، که اغلب به صورت نمادین به کار رفته‌اند، می‌تواند به عنوان ابزاری برای بازنمایی احساسات و حالات روانی او و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کرده است مورد بررسی قرار گیرد. رنگ‌ها در اشعار او، به‌ویژه رنگ‌های تیره و مات، می‌توانند نمادهای از یأس، افسردگی، و ناامیدی باشند که در دوره‌های مختلف تاریخی جامعه ایرانی به وجود آمده است. این استفاده از رنگ‌ها به عنوان ابزاری برای بیان احساسات و تفکرات ناخودآگاه، هم‌سو با نظریات روانکاوانه است که به بررسی نمادها و نشانه‌های پنهان در ادبیات می‌پردازند (4).

یافته‌ها

در تحلیل اشعار مهدی اخوان ثالث، می‌توان مشاهده کرد که او به طرز ماهرانه‌ای از زبان و نمادهای شعری برای بازتاب دادن احساسات و تجارب درونی خود و نیز انتقال ناخودآگاه اجتماعی و سیاسی جامعه بهره برده است. به عنوان نمونه، در اشعار خاصی از او، مضامین ناامیدی و بیگانگی اجتماعی به شکلی عمیق مورد استفاده قرار گرفته‌اند که به ویژه در دوره‌های بحرانی تاریخ ایران از انعکاسی غنی برخوردارند. اخوان ثالث در شعر «زمستان»، با بهره‌گیری از تصاویر سرد و یخبندان، یک سرما و بی‌حسی اجتماعی و عاطفی را به تصویر می‌کشد که به نظر می‌رسد نمادی از دوران سرکوب و ناکامی‌های سیاسی و اجتماعی است. در این شعر، فضای سرد و یخ‌زده حاکی از ناتوانی و درماندگی است و در عین حال، به وضوح اشاره به احساسی از بیگانگی و دوری از امید دارد که در ناخودآگاه جمعی زمانه او نقش بسته بود (5). این تصاویر از سرما و زمستان نه تنها احساسات فردی شاعر را بیان می‌کند بلکه نشان‌دهنده وضعیتی عمومی در جامعه نیز هست؛ جامعه‌ای که تحت تأثیر سرکوب‌های سیاسی و فشارهای اجتماعی دچار نوعی انجماد فکری و عاطفی شده است.

از لحاظ زبان شعری، اخوان ثالث به گونه‌ای از تصاویر زبانی استفاده کرده که به ساختار روانی و ناخودآگاه شعر عمق بیشتری

می‌بخشد. او در اشعارش اغلب به کلمات و اصطلاحات کهن و محلی متوسل می‌شود که در کنار تمثیل‌ها و تشبیهات متنوع، یک فضای ناخودآگاه از نوستالژی و حسرت به گذشته را القا می‌کنند. این استفاده از زبان کهن و نمادهای آشنا می‌تواند نوعی ارتباط با ناخودآگاه جمعی را نشان دهد که در آن، افراد به دنبال بازگشت به ریشه‌ها و هویت اصیل خود هستند. در واقع، این شیوه از زبان به عنوان ابزاری برای بیان نیازهای ناخودآگاه و سرکوب‌شده جامعه عمل می‌کند. به عنوان مثال، در شعر «کودکانه»، شاعر از زبان ساده و در عین حال نمادینی استفاده می‌کند که به یادآوری خاطرات کودکی و امیدهای از دست رفته می‌پردازد و در عین حال، نوعی دل‌تنگی برای گذشته‌ای را که دیگر قابل بازگشت نیست، تداعی می‌کند (1). این احساس نوستالژیک و حسرت برای گذشته از منظر روانکاوی می‌تواند به عنوان بازتابی از ترس‌ها و نگرانی‌های سرکوب‌شده جامعه مورد تحلیل قرار گیرد.

تصویرسازی در اشعار اخوان ثالث نیز به گونه‌ای است که لایه‌های عمیق روانی و اجتماعی متن را به خواننده انتقال می‌دهد. او با استفاده از ترکیب تصاویر تلخ و ترسناک، فضایی از درد و رنج جمعی را به تصویر می‌کشد. به عنوان مثال، در شعر «آخر شاهنامه»، او با بهره‌گیری از تصاویر مرگ و نابودی، جامعه‌ای را توصیف می‌کند که در چنگال خفقان و بی‌ثباتی به سر می‌برد. تصاویر جنگ و ویرانی در این شعر، در سطحی عمیق‌تر، بیانگر ناخودآگاه اجتماعی‌ای است که به واسطه فشارهای سیاسی و فرهنگی به نوعی سرکوب و خفقان دچار شده است. این تصاویر از خشونت و فروپاشی به گونه‌ای است که به نظر می‌رسد شاعر در تلاش است تا احساسات تلخ و زخم‌های عمیق جامعه را بازتاب دهد و به این ترتیب، شعر به بستری برای ابراز و تخلیه این احساسات سرکوب‌شده تبدیل می‌شود (3).

در کنار تحلیل مفاهیم و تصاویر شعری، بررسی تکنیک‌های زبانی و ساختارهای ادبی نیز نشان می‌دهد که اخوان ثالث به گونه‌ای از

جای استفاده از زبان مستقیم، احساسات خود را در قالبی رمزآلود و نمادین ارائه دهد و این امر باعث می‌شود که شعر او دارای ابعاد روان‌شناختی و اجتماعی پیچیده‌ای باشد.

بحث

نتایج حاصل از تحلیل اشعار مهدی اخوان ثالث نشان می‌دهد که او به عنوان یکی از بزرگترین شاعران اجتماعی و سیاسی معاصر ایران، توانسته است به شکلی عمیق و هنرمندانه از شعر به عنوان ابزاری برای بیان نگرانی‌ها و تجربه‌های ناخودآگاه جمعی جامعه ایرانی استفاده کند. در نتیجه، اشعار او دارای لایه‌های پیچیده‌ای از مضامین سیاسی، اجتماعی و روان‌شناختی است که بیانگر تجربه‌های فردی و جمعی او و جامعه‌ای است که در آن زیسته است. اخوان ثالث با بهره‌گیری از نمادها، تصاویر شاعرانه، و زبانی آمیخته با اشارات تاریخی و اسطوره‌ای توانسته است مفاهیم اساسی چون بیگانگی، نوستالژی، و درد اجتماعی را در آثار خود بازنمایی کند (5). این یافته‌ها تأیید می‌کنند که اخوان ثالث نه تنها به مسائل فردی بلکه به طور وسیع‌تری به مسائل و مشکلات جامعه ایرانی و تغییرات اجتماعی و سیاسی که بر مردم تحمیل شده بود، توجه داشته و به همین دلیل، اشعار او بازتاب‌دهنده‌ای از ناخودآگاه جمعی جامعه است.

از منظر تأثیرات اجتماعی و سیاسی، آثار اخوان ثالث نمایانگر دوره‌ای از تاریخ ایران است که جامعه در معرض تحولات سیاسی گسترده‌ای قرار داشت. به عنوان مثال، اخوان در شعر «زمستان» به طرز ماهرانه‌ای از تصویرسازی و فضاسازی‌های یخ‌زده و سرد استفاده کرده است تا بیگانگی و انجماد اجتماعی را که جامعه در مواجهه با سرکوب و محدودیت‌های سیاسی تجربه می‌کرد، به تصویر بکشد. این سرما، در سطحی ناخودآگاه، اشاره به عدم تحرک اجتماعی و بیگانگی از ارزش‌های اصیل و انسانی دارد، که نه تنها بیانگر وضعیت فردی شاعر بلکه بازتابی از حال و هوای عمومی جامعه‌ای است که به نوعی از بحران اجتماعی دچار شده

سبک‌های پیچیده و ساختارهای نوآورانه استفاده کرده است که به خواننده این امکان را می‌دهد تا به عمق بیشتری از متن نفوذ کند. او از تکنیک‌های همچون استفاده از تمثیل و کنایه بهره می‌گیرد تا مضامین پیچیده‌ای چون ترس، بیگانگی، و نوستالژی را در ذهن خواننده تثبیت کند. به عنوان نمونه، در بسیاری از اشعار او می‌توان دید که استفاده از تمثیل به نوعی یک لایه پنهانی از معنا را ایجاد می‌کند که به خواننده اجازه می‌دهد تا با هر بار خواندن، به برداشت‌های جدید و عمیق‌تری دست یابد. این تکنیک‌ها به ویژه در تحلیل روانکاوی اهمیت دارند، چرا که بر اساس نظریات فروید، تمثیل‌ها و کنایه‌ها به عنوان ابزاری برای ابراز ناخودآگاه دور زدن سانسورهای خودآگاه مورد استفاده قرار می‌گیرند (2).

بررسی ساختارهای شعری در اشعار اخوان ثالث نیز به ما کمک می‌کند تا به فهم بهتری از لایه‌های درونی و ناخودآگاه اشعار او دست یابیم. او از ساختارهای شعری همچون قافیه‌های نامنظم و شکست‌های وزنی بهره می‌گیرد تا به خواننده این احساس را منتقل کند که با نوعی آشفتگی و بی‌ثباتی مواجه است. این تکنیک‌ها در کنار هم، حس اضطراب و ناآرامی‌ای را ایجاد می‌کنند که به وضوح بیانگر تجربه‌های تلخ و ناخودآگاه جامعه‌ای است که اخوان در آن زیسته است. قافیه‌های نامنظم و شکست‌های وزنی نه تنها به ساختار شعری او بعدی جدید می‌بخشند بلکه می‌توانند به عنوان بازتابی از ساختار روانی جامعه‌ای که به سرکوب و ناآرامی دچار است، تفسیر شوند (6).

در نهایت، زبان نمادین و استعاری که اخوان ثالث در اشعار خود به کار می‌برد، به او این امکان را می‌دهد تا تجربه‌های فردی و جمعی جامعه را در قالبی هنرمندانه بیان کند. او از نمادهایی مانند کوه، صحرا، و طبیعت بهره می‌گیرد تا به یک حس ازلی و عمیق از رنج و درد دست یابد که در ناخودآگاه جمعی جامعه او نقش بسته است. این نمادها، که به نظر می‌رسد حامل بار سنگینی از عواطف و احساسات تاریخی هستند، به او کمک می‌کنند تا به

بود (1). اخوان ثالث با بهره‌گیری از این نوع تصاویر، موفق به خلق اثری شده است که به عنوان نماینده‌ای از مقاومت ادبی در برابر ناملایمات سیاسی و اجتماعی دوران خود شناخته می‌شود و توانسته است تا نسل‌های مختلفی را به خود جلب کند.

مقایسه اخوان ثالث با دیگر شاعران معاصر نشان می‌دهد که او از نظر استفاده از نمادها و زبان، به گونه‌ای خاص و منحصر به فرد عمل کرده است که کمتر در آثار دیگر شاعران دیده می‌شود. بسیاری از شاعران معاصر همچون فروغ فرخزاد و احمد شاملو نیز به موضوعات اجتماعی و سیاسی پرداخته‌اند، اما شیوه پرداختن اخوان به این مسائل از عمقی بیشتر و زبانی نمادین‌تر برخوردار است. برخلاف شاملو که بیشتر به زبان صریح و مستقیم تمایل دارد، اخوان ثالث با بهره‌گیری از زبانی پیچیده و تصاویر نمادین توانسته است مفاهیم را در قالب‌های غیرمستقیم و حتی اسطوره‌ای بیان کند. این امر او را از نظر سبک و رویکرد به یکی از چهره‌های برجسته و یکتا در ادبیات فارسی تبدیل کرده است، چرا که توانسته است به لایه‌های عمیق‌تری از ناخودآگاه جمعی جامعه نفوذ کند (2).

یکی دیگر از یافته‌های مهم پژوهش نشان می‌دهد که اخوان ثالث با استفاده از تمثیل‌ها و نمادهای اسطوره‌ای به بیان نگرانی‌های خود و جامعه‌ای که در آن زیسته، پرداخته است. او با استفاده از نمادهایی مانند کوه، صحرا و شب، به طور غیرمستقیم به مسائل اجتماعی و سیاسی اشاره می‌کند. این نمادها به خواننده این امکان را می‌دهند که بدون نیاز به تفسیر مستقیم و آگاهانه، به لایه‌های عمیق‌تری از معنای نهفته در شعر دست یابد. به عنوان مثال، نماد «کوه» در اشعار او می‌تواند هم‌زمان نمایانگر استقامت و پایداری در برابر مشکلات و همچنین نمایانگر انزوا و بیگانگی باشد که جامعه ایرانی در دوره‌های خاصی از تاریخ خود تجربه کرده است. این نمادها به شکلی هنرمندانه در ساختار شعر اخوان جای

گرفته‌اند و به او این امکان را داده‌اند که از شعر به عنوان بستری برای انتقال احساسات و تجربیات ناخودآگاه استفاده کند (4).

از نظر روان‌شناختی، اشعار اخوان ثالث بازتاب‌دهنده‌ی احساساتی مانند بیگانگی، ترس، و ناامیدی است که به نظر می‌رسد بخشی از ناخودآگاه جمعی جامعه ایرانی در مواجهه با رویدادهای سیاسی و اجتماعی باشد. به طور خاص، در اشعاری که به مضامین اجتماعی و سیاسی پرداخته‌اند، این احساسات به شکلی عمیق و متمرکز نمایان می‌شوند. اخوان ثالث با استفاده از این مضامین توانسته است به نوعی به روان‌شناسی اجتماعی جامعه ایرانی دست یابد و به شکلی هنرمندانه این احساسات را بازنمایی کند. تحلیل این آثار نشان می‌دهد که او با آگاهی از محدودیت‌های اجتماعی و سیاسی، توانسته است از شعر به عنوان ابزاری برای بیان نارضایتی‌های درونی و بیان تجربیات اجتماعی و روانی استفاده کند. این امر به ویژه در اشعاری که به موضوعاتی چون مرگ، فنا، و فروپاشی پرداخته‌اند، به وضوح دیده می‌شود و به نظر می‌رسد که اخوان با بهره‌گیری از این مضامین قصد داشته تا زخم‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه خود را به تصویر بکشد (6).

در مجموع، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که آثار اخوان ثالث نه تنها به عنوان یک بیان شخصی از تجربیات و عواطف شاعر، بلکه به عنوان بازتابی از ناخودآگاه جمعی جامعه‌ای است که او در آن زندگی می‌کرد. او با بهره‌گیری از نمادها، زبان پیچیده و تمثیل‌های اسطوره‌ای به بازنمایی وضعیتی پرداخته که جامعه ایرانی در دوره‌های مختلف تجربه کرده است. این نوع زبان و رویکرد در آثار دیگر شاعران معاصر کمتر مشاهده می‌شود، چرا که بسیاری از آنها به جای استفاده از نمادهای پیچیده و زبان رمزآلود، از زبانی صریح و بی‌واسطه برای بیان موضوعات اجتماعی و سیاسی استفاده کرده‌اند. از این منظر، اخوان ثالث به عنوان یک شاعر منحصر به فرد، توانسته است در لایه‌های عمیق‌تری از ناخودآگاه

کند. این ساختار چندلایه و زبان چندوجهی باعث می‌شود که اشعار اخوان ثالث برای پژوهشگرانی که به دنبال درک عمیق‌تر از لایه‌های پنهان فرهنگ و ناخودآگاه اجتماعی ایران معاصر هستند، منبعی ارزشمند و بی‌نظیر باشد (4).

پژوهش‌های پیشین و یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهند که اخوان ثالث در اشعارش نه تنها به مسائلی چون سرکوب و محدودیت‌های اجتماعی اشاره کرده، بلکه توانسته است نوعی از مقاومت ادبی را نیز به تصویر بکشد. او از شعر به عنوان ابزاری برای مقابله با وضعیت‌های بحرانی و فشارهای اجتماعی و سیاسی استفاده کرده و به واسطه‌ی زبان پیچیده و تصاویر نمادین، پیام‌های ضمنی از پایداری و مقاومت را به خواننده انتقال داده است. این امر نشان می‌دهد که شعر او صرفاً یک بیان هنری نبوده بلکه در عین حال نوعی از واکنش و انعکاس نگرانی‌های جمعی است که در بطن جامعه وجود داشته‌اند (1). از این منظر، اشعار او نه تنها به عنوان یک اثر ادبی بلکه به عنوان یک سند اجتماعی و تاریخی نیز می‌تواند مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد.

پیشنهادات پژوهشی برای تحقیقات آینده می‌تواند بر روی گسترش تحلیل‌های روان‌شناختی و اجتماعی از دیگر آثار اخوان ثالث و همچنین مقایسه‌ی آثار او با دیگر شاعران هم‌دوره متمرکز باشد. از آنجا که در این تحقیق به تحلیل نمادها و تصاویر خاصی در اشعار او پرداخته شد، پژوهش‌های آینده می‌توانند به بررسی دقیق‌تر سایر ابعاد ساختاری و زبانی در آثار او بپردازند. به عنوان مثال، مطالعاتی می‌تواند به بررسی تأثیرات فرهنگی و تاریخی خاص بر زبان و تصاویر اخوان ثالث بپردازد تا مشخص شود که چگونه رویدادهای تاریخی بر محتوای اشعار او تأثیر گذاشته‌اند. همچنین، از آنجا که برخی از نظریات روانکاو مدرن بر پایه‌های نظریات فروید و لاکان توسعه یافته‌اند، تحلیل آثار اخوان ثالث از منظر این نظریات جدید می‌تواند به درک دقیق‌تری از ابعاد روانی و اجتماعی آثار او منجر شود (3).

جمعی جامعه نفوذ کند و به این ترتیب، به یکی از برجسته‌ترین و پرنفوذترین چهره‌های ادبیات فارسی معاصر تبدیل شود (3)

نتیجه‌گیری

در نتیجه‌گیری از این پژوهش، به‌طور کلی می‌توان گفت که اشعار مهدی اخوان ثالث به عنوان یکی از منابع غنی برای بررسی و تحلیل ناخودآگاه جمعی و اجتماعی جامعه ایرانی در دوران معاصر مورد استفاده قرار می‌گیرد. او با بهره‌گیری از زبان شاعرانه‌ای که مملو از نمادها و تصاویر پیچیده است، موفق به خلق فضایی شده که در آن مسائل و معضلات اجتماعی و سیاسی به صورتی عمیق و تأثیرگذار به تصویر کشیده شده‌اند. اخوان ثالث با استفاده از تکنیک‌های متنوع و نوآورانه در زبان، از جمله کاربرد تمثیل‌ها، استعاره‌ها، و زبان رمزآلود، توانسته است تا ناخودآگاه اجتماعی و روانی جامعه خود را در آثارش منعکس کند. این امر باعث شده که اشعار او به عنوان آینه‌ای از دردها، نارضایتی‌ها، و امیدهای ناامیدانه‌ی جامعه‌ای باشد که در بستر تحولات تاریخی و اجتماعی مهمی قرار گرفته بود (5). این نمادها و تصاویر به گونه‌ای در آثار او به کار رفته‌اند که تحلیل آنها نه تنها نیازمند دانش عمیق ادبی است بلکه فهم روان‌شناسی و جامعه‌شناسی اجتماعی نیز به تفسیر عمیق‌تر این اشعار کمک می‌کند.

یکی از مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش این است که اخوان ثالث با پرداختن به مضامین و موضوعاتی چون نوستالژی، بیگانگی اجتماعی، و رنج جمعی توانسته است تجربیات خود و جامعه را در قالب شعری بیان کند که علاوه بر زیبایی ادبی، حامل معانی عمیق روان‌شناختی و اجتماعی است. به عنوان مثال، نمادهایی که در شعرهای او به کار رفته‌اند، نه تنها بیانگر تجربیات شخصی شاعر بلکه بازتاب‌دهنده‌ی احساسات و ترس‌های جمعی جامعه ایرانی نیز هستند. استفاده از تصاویر نمادین در اشعار او این امکان را به خواننده می‌دهد تا فراتر از سطح ظاهری متن به عمق معنا دست یابد و از این طریق به ناخودآگاه اجتماعی جامعه دسترسی پیدا

مخاطبان با اشعار او و نقش آن در تقویت یا بیان احساسات جمعی جامعه کمک کنند و این پژوهش‌ها می‌توانند با روش‌های کیفی و مصاحبه‌های عمیق اجرا شوند تا به نتیجه‌های معتبری برسند. به طور کلی، آثار اخوان ثالث به واسطه پیچیدگی زبانی، نمادپردازی هنرمندانه و پرداختن به مسائل اجتماعی و سیاسی، به یک منبع پژوهشی غنی برای دانشجویان، محققان و علاقه‌مندان به ادبیات و روانکاوی تبدیل شده است. بررسی‌های آینده در زمینه نقد روانکاوانه اشعار او می‌تواند به غنای هرچه بیشتر این حوزه از ادبیات و نقد کمک کند و همچنین به محققان و خوانندگان امکان دهد تا به درکی جامع‌تر از فرهنگ و تاریخ جامعه‌ای که اخوان در آن زیسته دست یابند.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

This study examines the poetry of Mehdi Akhavan Sāles (1930-1990) through a psychoanalytic lens, emphasizing his unique approach to portraying the unconscious social and political concerns of Iranian society in the mid-20th century. Akhavan Sāles, one of the most significant poets in modern Persian literature, distinguished himself by integrating complex language, rich symbolism, and multi-layered imagery to convey collective experiences of societal and personal anguish. His works address themes such as nostalgia, alienation, and collective suffering—experiences that mirror the sociopolitical

همچنین یکی دیگر از پیشنهادات پژوهشی می‌تواند مقایسه‌ی تطبیقی اشعار اخوان ثالث با دیگر شاعران معاصر و بررسی وجوه تفاوت و تشابه آن‌ها در استفاده از زبان، تمثیل‌ها و تکنیک‌های شعری باشد. این مقایسه‌ها می‌تواند به درک بهتری از جایگاه منحصر به فرد اخوان ثالث در ادبیات فارسی و همچنین تأثیرات متقابل شاعران در ساختار و مضمون آثار آن‌ها کمک کند. از این رو، پژوهش‌هایی که به مقایسه‌ی سبک و محتوای آثار اخوان ثالث با شاعران اجتماعی و سیاسی دیگر چون فروغ فرخزاد یا احمد شاملو می‌پردازند، می‌توانند به غنای ادبیات تطبیقی و نقد ادبی ایران معاصر بیفزایند (2).

نکته دیگری که در زمینه پژوهش‌های آتی می‌تواند مورد توجه قرار گیرد، بررسی دقیق‌تر تأثیرات اجتماعی و روان‌شناختی اشعار اخوان ثالث بر خوانندگان معاصر است. این نوع تحقیقات می‌تواند به استفاده از روش‌های پژوهش تجربی و مصاحبه‌های عمیق با خوانندگان و مخاطبان آثار اخوان ثالث بپردازد تا تأثیرات روانی و اجتماعی که این اشعار بر آن‌ها گذاشته است، مورد بررسی قرار گیرد. این نوع تحلیل‌ها می‌توانند به درک بهتری از چگونگی ارتباط upheavals in Iran during his lifetime. The symbolic and thematic complexity of his poetry presents a profound space for psychoanalytic critique, particularly by employing Freudian and Lacanian theories that shed light on the poet's use of language as a reflection of suppressed and hidden collective sentiments. Through these analytic perspectives, this article underscores how Akhavan Sāles' poetry serves as a channel for exploring not only his individual psyche but also the collective unconscious of Iranian society, positioning his work as a unique expression of cultural resistance against repression and political pressures (1, 2, 5).

Central to Akhavān Sāles' poetry is the representation of collective unconsciousness, a concept introduced by Carl Jung and expanded in this study through the psychoanalytic frameworks of Freud and Lacan. Jung's idea of a shared reservoir of memories and images inherent to all humans finds resonance in Akhavān Sāles' reliance on Persian myths and cultural symbols to express underlying societal fears and frustrations. However, unlike Jung's concept, which is universal, Akhavān Sāles' poetry reflects a distinctly Iranian consciousness marked by the nation's historical challenges and traumas. This research applies Freudian notions of repression and Lacanian insights into language's symbolic function, revealing Akhavān Sāles' ability to channel collective psychological responses to political oppression into his works. His use of symbols like mountains, deserts, and winter represents a shared longing for freedom and a reflection of the limitations placed upon society. For example, his widely recognized poem "Zemestan" ("Winter") vividly employs cold imagery and desolation to evoke the immobilization and estrangement felt by Iranians in the face of sociopolitical turmoil (1). In his approach to language, Akhavān Sāles diverges from contemporary poets such as Ahmad Shamlou and Forough Farrokhzad, who often employ direct, assertive language to critique social issues. Akhavān Sāles, by contrast, adopts a dense, symbolic language filled with metaphor and historical allusions,

requiring the reader to engage in deciphering multiple layers of meaning. This dense language, particularly through metaphors, exemplifies Lacanian concepts where language serves as a bridge to the unconscious. Lacan posits that the unconscious is structured like language, and Akhavān Sāles' use of metaphor and allegory aligns with this framework, transforming the poetic form into a tool for navigating the complexities of cultural and psychological repression. Akhavān Sāles' metaphors often mask deep-seated societal anxieties, illustrating how his poetry serves as an exploration of the unspeakable aspects of social existence. The intricate layering of language in Akhavān Sāles' work creates an environment for both individual reflection and collective understanding, where cultural myths and historical traumas blend to form a unique narrative of shared experience (4).

The poem "Aakhar-e Shahnameh" ("The Last Shahnameh") further exemplifies Akhavān Sāles' symbolic narrative, where he uses motifs of death and destruction to reflect societal disillusionment and despair. These motifs, such as war, ruin, and desolation, underscore the collective fear of instability and the historical weight borne by Iranian society. Unlike Shamlou's work, which addresses injustice through straightforward language, Akhavān Sāles' work communicates the same sentiments through symbolic references to Iran's mythological past, transforming cultural memory into a mirror for contemporary

struggles. This tendency aligns with Freudian psychoanalysis, wherein repression is not merely a personal phenomenon but also reflects societal forces that shape collective memory and identity. Akhavān Sāles' imagery in "The Last Shahnameh" thus serves as a coded language, unveiling layers of grief and loss while preserving the dignity of Iranian cultural heritage. His work resonates with both modern readers and traditionalists who find in his poetry an articulation of enduring national values and existential suffering (6).

Akhavān Sāles' thematic emphasis on nostalgia, especially a longing for an idealized past, is another central focus of this analysis. His poetry often reflects an inherent melancholy, rooted in a sense of loss, not only for the poet's personal experiences but also for the collective Iranian identity. This sentiment of nostalgia aligns with Freud's concept of melancholia, where longing for an irretrievable object of affection leads to an unconscious fixation on loss. For Akhavān Sāles, the "loss" translates to a yearning for cultural and societal authenticity—a state increasingly obscured by modern political changes. His frequent reference to ancient Persian symbols, landscapes, and historical figures underscores this longing and allows him to channel cultural identity as a source of resilience in the face of existential disorientation. Poems such as "Koodakaneh" ("Childlike") use simple yet powerful language to evoke childhood innocence lost to the realities of adulthood and

societal decay, symbolizing a broader yearning for the purity of Iranian heritage (2).

Comparative studies further illustrate Akhavān Sāles' distinct approach to poetry, where he emphasizes the symbolic over the direct, distinguishing his style from that of other Iranian literary figures. Whereas Farrokhzad often uses personal narrative to critique societal expectations imposed on women, Akhavān Sāles merges individual and collective experiences, employing metaphors that encapsulate shared psychological responses to oppression. This symbolic language gives his poetry a timeless quality, where cultural themes and historical consciousness intersect with the poet's observations of his environment. Akhavān Sāles' mastery in balancing personal introspection with societal reflection sets him apart as a pivotal figure in Persian literature, whose work continuously invites analysis through various theoretical lenses. His poetry, marked by myth and memory, becomes a medium through which readers can revisit Iran's cultural landscape and engage with its political legacy (3).

The research concludes by highlighting the potential for further studies that deepen the psychoanalytic exploration of Akhavān Sāles' works, particularly through a comparison with emerging theories in psychoanalysis and cultural studies. The application of contemporary psychoanalytic frameworks could provide a more nuanced understanding of the interplay between individual expression

and collective memory in his work. Additionally, comparative analyses with modern poets who explore similar themes could enrich our appreciation of his influence on Persian literature. Future research might also investigate Akhavān Sāles' impact on Iranian readers, examining how his use of symbolism and metaphor resonates with contemporary audiences, revealing the ways his work continues to embody resistance and resilience. As a body of work that captures Iran's complex history of cultural identity, societal shifts, and personal struggle, Akhavān Sāles' poetry remains a critical site for understanding the intersection of art, psychology, and politics in Persian literature.

References

1. Safary Kondesari M, Beigi A, Mohammadi H. A comparative study of the concepts of hope and despair in the poetry of Ibrahim Touqan and Akhavan Sales (Based on Freud's psychoanalysis). *Journal of Comparative Literature Studies*. 2023.
2. Sharifian M, Teymouri A, Sharif H. The process of nostalgia in contemporary Persian poetry (Based on the works of Nima Yushij and Mehdi Akhavan Sales). *Journal of Persian Language and Literature Research*. 2006;7(12):33-61.
3. Amirkhani A, Delbari S, Hasan M, Alavi Moghadam M, Mahyar T, Tasnemi H. Critical discourse analysis of phonological reduction and expansion processes in the modern poetry of Mehdi Akhavan Sales. *Contemporary Persian Literature*. 2024;14(1):1-42.
4. Fakhri-Tabatabaei F. Mythological uses of color in Akhavan Sales' poetry. *Journal of Literary History*. 2022;91(15):235-58.
5. Baqi Nejad M. The poet of exile: Reflections on nostalgia and despair in the poetry of Akhavan Sales. *Journal of Mystical and Mythological Literature*. 2005;1(1):12-35.
6. Shir Khani F, Cha'abavi A, Cheraghi R, Ziur M. Psychological examination of pain (nostalgia) in the poetry of Akhavan Sales and Adnan Al-Sayegh. *International Conference on the Common Heritage of Iran and Iraq*. 2015;11(1):71-92.